



**دانشگاه سمنان**

**دانشکده علوم انسانی**

**پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی**

**عنوان:**

**مطالعه تطبیقی چهره امام حسین (ع) و  
حضرت عیسی (ع) در شعر فارسی**

**استاد راهنما:**

**دکتر حسن اکبری بیرق**

**استاد مشاور:**

**دکتر عصمت اسماعیلی**

**پژوهشگر:**

**رضا نیکو**

**مهر ۱۳۹۱**

## تعهدنامه

این جانب رضا نیکو دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشگاه سمنان دانشکده علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان‌نامه نتیجه تلاش‌ها و تحقیق‌های خود بوده و از هیچ منبعی کپی‌برداری نشده و به پایان‌رسیدن آن برآیند کوشش‌های مستمر، و راهنمایی و مشاوره استادان محترم بوده است.

۱۳۹۱ / ۰۷ / ۲۵

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات و نوآوری‌های  
این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه سمنان است.

## چکیده

تأثیر باورها و آیین‌های مسیحی در نگرش شیعیان ایرانی به امام حسین (ع) انکارناشدنی است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که از این رهگذر وارد باورهای شیعی نیز شده است، مسأله «فدا» است؛ این مسأله، هنوز در جامعه جهانی به‌ویژه در جامعه ایران وجود دارد و از اهمیت پژوهشی زیادی برخوردار است. مسیحیان برآنند حضرت عیسی (ع) با خون پربهای خود کفاره گناهان ایشان را داده و بدین سبب به او لقب «فادی» (منجی) داده‌اند. این باور، رفته‌رفته درباره امام حسین (ع) نیز تحقق یافته است. این پایان‌نامه، با هدف مطالعه دو چهره یادشده و تطبیق نگاه شاعران به این دو انسان آسمانی - زمینی در شعر فارسی تدوین یافته است. فصل اول: «کلیات»، فصل دوم: «مبانی نظری»، فصل سوم: بخش اول: «عیسی بن مریم (ع)، از حقیقت تا اسطوره»، بخش دوم: «حسین بن علی (ع)، از واقعیت تا آرمان»، فصل چهارم: «مطالعه تطبیقی چهره امام حسین (ع) و حضرت عیسی (ع) در شعر فارسی»، و فصل پنجم: «نتیجه» را شامل می‌شود. در نهایت این نتیجه به دست آمده که برداشت‌های مسیحیان از حضرت عیسی (ع) در نوع نگاه شاعران به امام سوم شیعیان نیز مؤثر بوده است؛ و طبعاً بر اساس ذات شعر و فضای خاص خیال و تصویری که در شعر وجود دارد، چهره‌ای که از این دو انسان الهی در ادبیات اراده شده بعضاً واقعیت تاریخی ندارد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، حضرت عیسی (ع)، امام حسین (ع)، شعر فارسی.

## فهرست

صفحه	عنوان
	فصل اوّل: کلیات
۱-۱-۱-۱	عنوان
۲	۱-۱-۱-۱
۲	۲-۱- بیان مسأله
۳	۳-۱- پیشینه تحقیق
۴	۴-۱- فرضیه‌ها
۴	۵-۱- هدف‌ها
۴	۶-۱- روش‌ها

## فصل دوّم: مبانی نظری

۶ - ۹	۱-۲- ادبیات تطبیقی
۱۰ - ۲۲	۲-۲- زمینه بحث

## فصل سوّم

	۱-۳- بخش اوّل: عیسی بن مریم (س) از حقیقت تا اسطوره
۲۶ - ۴۰	۱-۳-۱-۱- چهره عیسی در قرآن و انجیل
۴۱ - ۴۳	۱-۳-۲- سخنی درباره انجیل‌های چهارگانه
۴۴ - ۵۹	۱-۳-۳- عیسی در انجیل و متون اسلامی
۶۰ - ۶۵	۱-۳-۴- داستان صلیب

۳-۱-۵- حضرت مریم (س) ..... ۷۰ - ۶۵

۳-۱-۶- حواریان ..... ۷۹ - ۷۱

۳-۱-۷- پولس ..... ۸۹ - ۸۰

۳-۱-۸- تثلیث ..... ۸۹

۳-۱-۹- فدا ..... ۹۷ - ۹۰

۳-۱-۱۰- عیسی، اسطوره یا تاریخ؟ ..... ۱۱۰ - ۹۸

۳-۱-۱۱- ملکوت خداوند ..... ۱۱۲ - ۱۱۰

۳-۱-۱۲- فرجامین دستاوردها ..... ۱۱۲

### ۳-۲- بخش دوّم: حسین بن علی (ع) از واقعیت تا آرمان

۳-۲-۱- حسین، از ولادت تا شهادت ..... ۱۱۶ - ۱۱۵

۳-۲-۲- ویژگی‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و عبادی ..... ۱۲۸ - ۱۱۷

۳-۲-۳- بررسی اجمالی انقلاب ..... ۱۳۳ - ۱۲۹

۳-۲-۴- پیشگویی شهادت ..... ۱۳۵ - ۱۳۴

۳-۲-۵- پس از پنجاه سال ..... ۱۶۲ - ۱۳۶

### فصل چهارم: مطالعه تطبیقی چهره امام حسین (ع) و حضرت عیسی (ع) در شعر فارسی

۴-۱- چهره حضرت عیسی (ع) در شعر فارسی ..... ۱۶۶ - ۱۶۵

۴-۲- پیشینه ادبیات عاشورایی ..... ۱۶۸ - ۱۶۶

۳-۴- بخش اوّل

۱۶۹ - ۱۹۰ ..... ۱-۳-۴ عیسی

۱۹۱ - ۲۰۰ ..... ۲-۳-۴ حسین

۲۰۰ - ۲۲۸ ..... ۴-۴ بخش دوّم: مطالعه تطبیقی چهره عیسی و حسین

۲۲۹ - ۲۳۱ ..... فصل پنجم: نتیجه

۲۳۲ - ۲۴۲ ..... منابع

فصل اوّل

کلیات



## ۱-۱- عنوان

مطالعه تطبیقی چهره امام حسین (ع) و حضرت عیسی (ع) در شعر فارسی.

## ۱-۲- بیان مسأله

مطالعه تطبیقی چهره امام حسین و حضرت عیسی در شعر فارسی، پژوهشی نو به شمار می‌رود.

حماسه شکوهمند عاشورا و شهادت حسین بن علی و یاران باوفایش، تأثیری بی‌نظیر در ذهن، زبان، فرهنگ، و ادب ایرانی (فارسی و عربی) از خود به‌جای نهاد، و سبب پیدایش گونه‌ای از آداب و رسوم، اندیشه، ایدئولوژی، و گفتمان ویژه در میان شیعیان به‌خصوص ایرانیان شد.

تأثیر باورها و آیین‌های مسیحی در نگرش شیعیان ایرانی به حسین بن علی، مشهودتر از آن است که نادیده گرفته شود؛ به‌ویژه اینکه شخصیت، سرگذشت، و آرمان عیسی و حسین به نحو شگفت‌آوری مشابه و همسان است؛ مثلاً: تنها دو شش‌ماهه‌ای که زنده مانده‌اند، عیسی و حسین‌اند؛ به عیسی قدرت سخن گفتن با مردم در مهد داده شد و به حسین توان نیکو سخن گفتن؛ هر دو مظلوم بودند و مورد اهانت قرار گرفتند؛ ماهیت قیام جان‌نثارانه هر دو، یکی بود: قیام برای رحمت و تسلی رنج‌دیدگان، آزادی مظلومان، و احیای دین، و...

چنین به نظر می‌رسد که اساطیر و تجربه‌های تاریخی مردم ایران و... نیز در نوع برخورد آنها با این حادثه، بی‌تأثیر نبوده است. قهرمان‌آفرینی، توصیف مظلومیت‌های او، و نیز آیین‌های سوگواری برای مظلوم، در تاریخ ایران و... از جایگاه والایی برخوردار است. در بزرگداشت نام و یاد: کیومرث، ایرج، سیاوش، زریر، مهر (میترا)، زردشت، گنوماتا، زکریا، یحیی، مانی، مزدک، حلاج، و... شاهد این مقام والا هستیم.

این پایان‌نامه می‌کوشد به مطالعه تطبیقی چهره امام حسین و حضرت عیسی پردازد و بازتاب آن را در شعر فارسی نشان دهد.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

مطالعه تطبیقی چهره امام حسین و حضرت عیسی، موضوعی نوین در حوزه شعر فارسی به حساب می‌آید؛ صرف‌نظر از کتاب چهره مسیح در ادبیات فارسی از دکتر قمر آریان، تاکنون به چنین مقوله‌ای پرداخته نشده است. با وجود این، دو نمونه از آثاری که در حکم مدخلی برای بحث هستند، معرفی می‌شوند:

#### ۱- امام حسین در اندیشه مسیحیت؛ آنتوان بارا؛ ترجمه فرامرز میرزایی،

علی باقری طاهری‌نیا؛ همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۱.

این کتاب ۲۹۲ صفحه‌ای شامل ۳ فصل: ۱- انقلاب حسین و معجزات آن؛ ۲- قیام و نهضت حسینی؛ و ۳- حسین و مسیح می‌شود. عنوان اصلی آن «الحسین فی الفکرالمسیحی» است که در سال ۱۹۷۸ میلادی به قلم آمده و تاکنون به ۱۷ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. از نکات ارزشمند این کتاب، جنبه تحلیلی آن از زندگی و مصائب امام حسین است؛ تحلیلی که از نگاه یک فرد مسیحی اندیشمند است. نویسنده برای نخستین بار با پژوهشی تطبیقی زندگی و شهادت حضرت عیسی از دیدگاه مسیحیت را با زندگی و شهادت امام حسین از دیدگاه اسلام مقایسه کرده است.

#### ۲- چهره مسیح در ادبیات فارسی؛ قمر آریان؛ تهران: سخن، ۱۳۷۸.

این کتاب ۳۲۶ صفحه‌ای شامل ۲۲ فصل است: ۱- مطالعات در باب مسیح و مسیحیت؛ ۲- مسیح و مسیحیت نزد مسلمین؛ ۳- در قرآن کریم؛ و.... نویسنده پس از پرداختن به مسیح و مسیحیت در تاریخ، به تأثیر آن در شعر و ادب فارسی روی آورده است. در پایان نیز بحثی درباره هیئت‌های تبلیغی و فرقه‌های مسیحی و مناظره‌های متکلمان اسلامی و مسیحی دارد.

این دو کتاب، هر یک به بخشی از موضوع این تحقیق پرداخته‌اند و جمع بین این دو شخصیت و تطبیق آنها در شعر فارسی منحصر به این پایان‌نامه است.

(در فصل دوم به زمینه بحث پرداخته خواهد شد).

#### ۱-۴- فرضیه‌ها

- ۱- شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین شخصیت امام حسین و حضرت عیسی وجود دارد.
- ۲- در شعر فارسی به وجوه گوناگون دو شخصیت امام حسین و حضرت عیسی پرداخته شده است.
- ۳- میراث مسیحی در بازتاب شخصیت امام حسین توسط شعرای پارسی‌سرا مؤثر بوده است.

#### ۱-۵- هدف‌ها

هدف این تحقیق، مطالعه تطبیقی چهره امام حسین و حضرت عیسی در شعر فارسی است. از آنجا که شخصیت این دو انسان ربّانی، تأثیر فراوانی بر اندیشه ایرانیان نهاده، در شعر فارسی مورد توجه قرار گرفته است و شاعران به بازتاب جلوه‌های گوناگونی از آن پرداخته‌اند. امید است سهم ارزنده‌ای را در یاری رساندن به گفت‌وگوهای بینامتنی و ادبیات تطبیقی به خود اختصاص دهد.

#### ۱-۶- روش‌ها

این تحقیق از نوع «کاربردی»، و بر مبنای روش «توصیفی - کتابخانه‌ای» است.

#### محدوده تحقیق

از قرن سوم (رودکی سمرقندی: ۳۲۹ - میانه‌های قرن سوم ه. ق.) تا قرن چهاردهم (عُمان سامانی: ۱۳۲۲ - ۱۲۶۴ ه. ق.).

---

<sup>۱</sup> ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (تهران: فردوس، ۱۳۸۷)، ج ۱، صص ۳۷۱ - ۳۷۲.

<sup>۲</sup> علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ج ۱۱، صص ۱۶۳۳۸ - ۱۶۳۳۹.

فصل دوّم

مبانی نظری

## ۲-۱- ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی (Comparative literature) از دو جزء ادبیات و تطبیقی ترکیب یافته است. بنابر این، شایسته و بایسته است پیش از تعریف و تبیین ادبیات تطبیقی، به ادبیات و مفهوم آن بپردازیم.

ادبیات، تعریف‌ناپذیر است! اختلاف نظر فراوانی در تفسیر معنای ادبیات بین ادبا وجود دارد. کلمه ادبیات، در ظاهر کلمه ساده‌ای است؛ اما هنگام تعریف، پیچیدگی آن نمایان می‌شود. کسانی که به تعریف و تفسیر این واژه پرداخته‌اند، هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌اند.

در نظر گروهی، مجموعه خواننده‌ها (فرهنگ) است و در نظر گروهی دیگر هر نوشته چاپ‌شده یا گنجینه متون بزرگ و ارزنده؛ گاهی تقلید واقعیت است، گاهی آفرینش جهانی خیالی، و زمانی نحوه عمل کردن و زیستن در جهان.  
(نجفی، ۱۳۵۱، ص ۴۴۶ / محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

ادبیات، همان تأثیرگذاری است؛ به بیانی دیگر، هرگونه تأثیری که از راه زبان صورت می‌گیرد، ادبیات خواننده می‌شود. در واقع پیوندی میان ادیب و خواننده وجود دارد؛ ادیب، تأثیرگذار، خواننده، تأثیرپذیر، و ادبیات، همان تأثیری است که ادیب بر خواننده می‌نهد.  
(ندا، ۱۳۸۰، صص ۴ - ۵ / محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

تطبیق، در لغت به معنای برابر کردن، موافق نمودن، مطابقه و مقابله است؛ و ادبیات تطبیقی، در اصطلاح به معنای نقد و بررسی علمی ارتباطها و شباهت‌های ادبیات دو یا چند زبان، فرهنگ، ملیت، و... با یکدیگر در روشی قیاسی و تطبیقی است. به گفته استاد نجفی: «تطبیق ادبیات یک کشور با کشورهای دیگر، و با حوزه‌های دیگر فعالیت فکری و ذوقی بشر است». (۱۳۵۱، ص ۴۴۸).

ادبیات تطبیقی مجموعه‌ای از متون نیست (شورل، ۱۳۸۶، ص ۲۳)، بلکه به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های ادبیات در زبان‌های مختلف، و سیر تاریخی آن می‌پردازد. استاد زرین‌کوب می‌نویسد: «ادب تطبیقی، تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان است. در ادب تطبیقی آنچه مورد نظر محقق و نقاد است: تحقیق در کیفیت تجلی و انعکاسی است که اثر ادبی قومی در ادب قوم دیگر پیدا می‌کند».  
(۱۳۸۰، صص ۱۸۱ - ۱۸۲).

کادن<sup>۳</sup> نیز بر آن است که ادبیات تطبیقی «آزمودن و تحلیل ارتباطها و همانندی‌های ادبیات اقوام و ملل گوناگون است». (ر. ک. محمدی، ۱۳۸۹، ص ۴۹/شورل، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

ادبیات تطبیقی از نیمهٔ دوّم قرن نوزدهم در فرانسه با سخنرانی‌ها و نوشته‌های پژوهشگران فرانسوی همچون: *آبل فرانسوا ویلمن*<sup>۴</sup> و *ژان ژاک آمپر*<sup>۵</sup> آغاز گردید. (انوشیروانی، ۱۳۸۹، ص ۸).

ویلمن، نخستین کسی بود که اصطلاح ادبیات تطبیقی را به معنای واقعی‌اش در سال ۱۸۲۸ و به هنگام تدریس «ادبیات بیگانه» در دانشگاه سوربن به کار برد. (ساجدی، ۱۳۸۱، ص ۵۱).

نخستین همایش در تاریخ این رشته، به سال ۱۸۷۸ م. در پاریس تشکیل شد. ویکتور هوگو، رئیس، و تورگنیف، دبیر آن بودند. البته، در آن تاریخ، ادبیات تطبیقی در معنای امروزی آن به کار نمی‌رفت و تنها بر مقایسهٔ ادبیات اقوام مختلف و یا آثار دو نویسنده با یکدیگر اهتمام داشت. (حدیدی، ۱۳۷۹، ص ۴).

#### مکتب‌های ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی دارای دو مکتب بنیادین است:

##### ۱- مکتب فرانسوی

نظریه‌پردازان فرانسوی، ادبیات تطبیقی را شاخه‌ای از تاریخ ادبیات به حساب می‌آورند و وظیفهٔ پژوهشگر ادبیات تطبیقی را بررسی روابط ادبی بین فرهنگ‌های مختلف - عمدتاً بین فرهنگ فرانسه و سایر فرهنگ‌ها - می‌دانند. در این مکتب، تطبیق، صرفاً وسیله یا روشی برای رسیدن به تبیین تعاملات و مبادلات ادبی بین ملل مختلف است.

از نمایندگان مکتب فرانسوی، می‌توان به: *ماریوس فرانسوا گئی‌یار*<sup>۶</sup>، *ژان ماری کاره*<sup>۷</sup>، *رنه اتیامبل*<sup>۸</sup>، و *پل ون تیگم*<sup>۹</sup> اشاره کرد.

---

۳ - Cuddon

4 - Abel-François Villemain

5 - Jean-Jacques Ampère

6 - Marius François Guyard

7 - Jean- Marie Carré

8 - René Etiemble

9 - Paul van Tieghem

## ۲- مکتب آمریکایی

مکتب آمریکایی، پس از جنگ جهانی دوم با سخنرانی رنه ولک<sup>۱۰</sup> در دومین کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی، که در سال ۱۹۵۸ در دانشگاه کارلینای شمالی برگزار گردید، پا به عرصه پژوهش‌های ادبی نهاد. این مکتب، علاوه بر مطالعه ارتباطات ادبی بین فرهنگ‌های مختلف، ادبیات تطبیقی را در ارتباط با سایر رشته‌های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند: تاریخ، فلسفه، ادیان، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، پیکرتراشی، جامعه‌شناسی، نقاشی، سینما، موسیقی، و... در نظر می‌گیرد. از دیدگاه پیروان این مکتب، ادبیات تطبیقی، فلسفه و نظریه جدیدی در مطالعات ادبی، و پدیده‌ای جهانی و البته منسجم است. از میان آنان می‌توان: فرانسوا یوست<sup>۱۱</sup>، ا. ا. اوردریج<sup>۱۲</sup>، هنری رماک<sup>۱۳</sup>، و استیون توتوسی<sup>۱۴</sup> را نام برد.  
(انوشیروانی، ۱۳۸۹، صص ۱۲ - ۱۵).

سابقه ادبیات تطبیقی در ایران به تأسیس کرسی ادبیات تطبیقی در دانشگاه تهران - برخی آن را «سنجش ادبیات» می‌نامیدند - توسط فاطمه سیاح (۱۲۸۱ مسکو - ۱۳۲۶ تهران) بازمی‌گردد که از سال ۱۳۱۷ فعالیت علمی خود را آغاز کرد. پس از عمر کوتاه وی، افراد دیگری از جمله: جواد حدیدی (۱۳۱۱ - ۱۳۸۱) و ابوالحسن نجفی (متولد ۱۳۰۸) این راه را ادامه دادند. (همو، ص ۱۰).

از میان سایر پژوهشگران ایرانی، می‌توان به: مجتبی مینوی، عبدالحسین زرین‌کوب، خسرو فرشیدورد، محمدعلی اسلامی ندوشن، محمدرضا شفیعی کدکنی، طهمورث ساجدی، حسن هنرمندی، صالح حسینی، و کوکب صفاری اشاره کرد.

---

10 - René Wellek

11 - François Jost

12 - A. Owen Aldridge

13 - Henry Remak

14 - Steven Tötösy

## اهمیت پژوهش و بررسی ادبیات تطبیقی

رسالت ادبیات تطبیقی، تشریح خط سیر روابط و پیوندهای ادبی و بخشیدن روح تازه و با طراوت به آنها است. (غنیمی هلال، ۱۳۷۳، صص ۴۳ - ۴۴ / شورل، ۱۳۸۶، ص ۱۹). ادبیات تطبیقی، یکی از مهمترین ابزارهای است که از رهگذر آن می‌توان با تکیه بر پیشینه دینی - فرهنگی، به خودباوری رسید و ارتباط خود را با سایر جوامع به سبب مشترکات دینی، اخلاقی، فرهنگی، و... روزافزون و پایدار ساخت.

پژوهشگران و محققان ادبیات تطبیقی برآنند که نخستین هدف از مطالعه و پژوهش در ادبیات تطبیقی، بهره‌گیری از ادبیات بیگانه به منظور غنی‌تر ساختن ادبیات ملی است.<sup>۱۵</sup> ادبیات تطبیقی از سرچشمه‌های جریان‌های فکری، هنری، و ادبی پرده برمی‌دارد؛ در این رویکرد منتقدانه، بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد؛ اینکه چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری طرح می‌شود و در نقطه‌ای دیگر همان اندیشه به گونه‌های دیگر مجال بروز می‌یابد. (کفافی، ۱۳۸۲، صص ۷ - ۸).

این شاخه از دانش، در درک تاریخ ادبیات و نقد ادبی نوین نیز مؤثر است؛ زیرا به کشف ریشه جریان‌های فکری و فنی در ادبیات ملی می‌پردازد.<sup>۱۶</sup> مطالعات تطبیقی زمینه‌ای فراهم می‌کنند تا آنچه بین فرهنگ‌ها رد و بدل شده، تبیین گردد. نیز، به یاری این مقوله می‌توان نقش هر یک از اندیشمندان شرق و غرب را در شکل‌گیری و پیشرفت تمدن ارزیابی کرد.

---

<sup>۱۵</sup> طه ندا، ادبیات تطبیقی، ترجمه زهرا خسروی (تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۰)، ص ۱۷.

<sup>۱۶</sup> محمد غنیمی هلال، ادبیات تطبیقی، ترجمه سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳)،



## ۲-۲- زمینۀ بحث

شهادت، سعادت است که انسان در راه دفاع از سرزمین و پیشبرد مؤلفه‌های انسانی و فراانسانی بدان نائل می‌شود؛ خون شهید، ارزش‌ها و معیارهای والای جامعه را ثبات بخشیده و به تعالی می‌رساند. به قول علامه جعفری: «شهادت، پایان‌دادن به جریان حیات [که در متن طبیعت، مطلوب مطلق است] در کمال هشیاری، آزادی، و آشنایی با ماهیت و مختصات آن است.... هر اندازه انسان شهید از مزایا و عظمت‌های حیات آگاه‌تر باشد، و هر چه بیشتر توانایی استفاده از آنها را داشته باشد، شهادت او از عظمت بالاتری برخوردار می‌گردد»<sup>۱۷</sup>.

بر مبنای قرآن، شهید، آن‌که در راه خدا کشته شده، زنده حقیقی است:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>۱۸</sup>.

«و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌دانید».

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>۱۹</sup>.

«هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

بنده خدا، علی، امیرمؤمنان، می‌گوید:

«وَاللَّهِ لَوْ لَا طَمَعِي عِنْدَ لِقَائِي عَدُوِّي فِي الشَّهَادَةِ وَ تَوَطُّبِي نَفْسِي عَلَى الْمَنِيَّةِ، لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أَبْقَى مَعَ هَؤُلَاءِ يَوْمًا وَاحِدًا وَ لَا أَلْتَقِيَ بِهِمْ أَبَدًا»<sup>۲۰</sup>.

«به خدا اگر آرزوی شهادتم به هنگام رویارویی با دشمن نبود، و دل‌نهادنم بر مرگ خویش نمی‌بود، دوست داشتم یک روز با اینان به سر نبرم و هرگز دیدارشان نکنم».

<sup>۱۷</sup> امام حسین، شهید فرهنگ پیشرو انسانیت (مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۸)، صص ۲۳ - ۲۴.

<sup>۱۸</sup> بقره، آیه ۱۵۴.

<sup>۱۹</sup> آل‌عمران، آیه ۱۶۹.

<sup>۲۰</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۵، ص ۳۱۰.

سید روح‌الله خمینی نیز در تجلیل و تکریم شهدا و... چنین می‌گوید:

«ما را چه رسد که با این قلم‌های شکسته و بیان‌های نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل‌الله جان خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده‌اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده‌اند، مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم. زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلندپایه عزیزانی است که برای اعتلای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازی نموده‌اند»<sup>۲۱</sup>.

آنچه آمد مقدمه‌ای درباره شهادت و مقام والای آن بود. اکنون با رویکردی اجمالی به معرفی چندی از شهدای بزرگ اسطوره و تاریخ پرداخته می‌شود.

---

<sup>۲۱</sup> صحیفه، ج ۱۹، ص ۴۰.

## ۱- کیومرث

انسان مقدّسی که مرد و دوباره زنده شد، و نسل بشر را به وجود آورد: در اساطیر، پیدایش انسان نخستین یا صورت نوعی انسان، به نحوی در رابطه با خورشید و گیاه قرار دارد و لذا مقدّس تلقّی می‌گردد. در اساطیر آریایی - ایرانی، این رابطه در کیومرث متجلی است؛ انسانی که در گاهنبار (جشن مذهبی) ششم، در آغاز فصل بهار، آفریده شد و پس از مرگ، نطفه‌اش در خورشید پاسداری و حراست گردید تا در مهرماه، هنگام جشن مهرگان، زمان گاهنبار چهارم که گیاه خلق شد، به صورت دو ساقه ریاس، مشی و مشیانه (آدم و حوا) رستاخیز کند؛ انسانی که به سوشیانت (مسیح - مهدی موعود) منجی جهان، ختم می‌شود. (فلاح‌زاده، ۱۳۶۱، ص ۹۸۰).

کریستن‌سن می‌نویسد: بنا بر اسطوره ایرانی، اورمزد گاو نخستین و کیومرث (نمونه نخستین انسان) را آفرید. پیش از حمله اهریمن، اورمزد در زمانی که کیومرث غنوده بود، بر پیکرش عرقی به وجود آورد، و از آن پسر جوان نورانی پانزده ساله‌ای را آفرید. پس از آنکه اهریمن کیومرث را کشت، از بقایای تن او بخش‌های گوناگون گیتی شکل گرفت. از نطفه او گیاهی روید؛ از این گیاه بود که نخستین زوج انسانی در وجود آمد. همه منابع پهلوی در مورد پیدایش نخستین زوج انسانی در هیئت گیاه ریواس متفق‌اند. (۱۳۷۷، صص ۴۸، ۶۷). «کیومرث بر یک مفهوم مجرد شخصیت یافته‌ای دلالت دارد که معنای آن «زندگی میرا»، «زندگی انسانی» است». او نماینده آغاز گیتی است. (همو، صص ۵۵ - ۵۶).

## ۲- ایرج

ایرج از شگفت‌انگیزترین چهره‌های تراژدی‌های تاریخ اساطیری است که بی‌گناه و مظلوم کشته می‌شود. او انسانی مهربان و صلح‌طلب است؛ از جنگ و خونریزی ابا دارد و تزویر و نیرنگ را نمی‌پسندد. اما برادران او، سلم و تور، جنگ‌طلب و توطئه‌گر هستند. تقدیر، کار خود انجام می‌دهد!... ایرج قربانی ارزش‌هایی می‌شود که پدر بر وجود آنها واقف است، به همین دلیل در برابر ادعای ناعادلانه برادران واکنشی نشان نداده و ناجوانمردانه جان می‌سپرد!... (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۹۰ - ۱۰۴).

### ۳- سیاوش

سیاوش از انسان‌های کامل شاهنامه است و حضوری پررنگ در روایت فردوسی دارد. سیاوش به سبب فتنه‌گری‌های سودابه، سبکسری کاووس، خیانت گرسیوز و بی‌کفایتی افراسیاب سر از تن می‌بازد و شهید می‌شود!... (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۱۴۳ - ۱۵۳).

«و اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سرودهای عجب است و مطربان آن سرودها را «کین سیاوش» گویند. و محمدبن جعفر گوید که از این تاریخ سه‌هزارسال است والله اعلم». (نرشخی، ۱۳۶۳، ص ۲۴).

«و میان وی [سیاوش] و افراسیاب بدگویی کردند، و افراسیاب او را بکشت. و هم در این حصار بدان موضع که از در شرقی اندرآیی (اندرون در کاه‌فروشان، و) آن را دروازه غوریان خوانند، او را آنجا دفن کردند؛ و مغان بخارا بدین سبب آنجای را عزیز دارند و هر سالی هر مردی آنجا یکی خروس برد و بکشد پیش از برآمدن آفتاب روز نوروز. و مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌ها است، چنانکه در همه ولایت‌ها معروف است؛ و مطربان آن را سرود ساخته‌اند، و می‌گویند و قوالان آن را گریستن مغان خوانند». (همو، صص ۳۲ - ۳۳).

### ۴- زریر

زریر، سپهسالار لشکر ایران، برادر مهتر گشتاسب‌شاه است. او برای پاسداری از آیین بهی به فرمان برادر راهی میدان رزم می‌شود؛ رزم با ارجاسب تورانی، دشمن دین! او از جان می‌کوشد و تا آخرین دم که به دست ناپاک بیدرفش جادو، با تیری که منافق‌وارانه از پشت به سوی او رها می‌کند و کشته می‌شود، آنی برنمی‌آساید! و پس از مرگ، اسب و جامه رزمش به دست دشمن می‌افتد!... (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۶، صص ۱۰۵ - ۱۰۶).

### ۵- مهر (میترا)

بنیادی‌ترین و مهم‌ترین کاری که میترا در راه بشریت انجام می‌دهد، قربانی کردن گاو مقدس است. او در هیئت مردی نیرومند با یک حرکت زانو گاو را بر زمین می‌افکند؛ دست در شاخ و یا در سوراخ‌های بینی او کرده و سر او را به عقب می‌کشد و خنجری را در قلب او فرو می‌برد. فدیة گاو نماد امر آفرینش است. مرگ گاو حیاتی نو می‌آفریند. می‌توان چنین پنداشت که گاو مقدس در واقع معرف شخص میترا است که خود را می‌کشد تا